



انجمن ایرانی حقوق جزا

نشریه علمی

پژوهشنامه حقوق کیفری

سال هفدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۵، پیاپی ۳۴



دانشگاه گیلان

صفحات مقاله: ۷-۳۱

مقاله پژوهشی

تأثیر پنج عامل بزرگ شخصیتی بر ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز: (مطالعه موردی زندانیان زندان تبریز)

- ۱- سیدمحمود میرخلیلی ^{ID}
استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.
- ۲- روزین ابراهیمی * ^{ID}
دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
✉ rojin.ebrahimi4@ut.ac.ir
- ۳- مسعود کاظمی ^{ID}
دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

چکیده:

شخصیت‌شناسی مرتکبان جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ارتکاب این جرایم، از شاخص‌های بالینی خطرناکی مجرمان است. با این حال، تفاوت‌های شخصیتی این دو گروه به‌طور نظام‌مند تبیین نشده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی ویژگی‌های شخصیتی این دو گروه انجام شد. این مطالعه توصیفی با رویکرد علی-مقایسه‌ای، روی ۱۷۷ زندانی (۹۱ مرتکب جرم خشونت‌آمیز و ۸۶ مرتکب جرم نیرنگ‌آمیز) در زندان تبریز اجرا شد. داده‌ها با پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت نئو گردآوری و با تحلیل واریانس چندمتغیره و رگرسیون لجستیک تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد «روان‌رنجوری» در مرتکبان جرایم خشونت‌آمیز به‌طور معناداری بالاتر است؛ درحالی‌که «وظیفه‌شناسی»، «برون‌گرایی»، «گشودگی به تجربه» و «توافق‌پذیری» در مرتکبان جرایم نیرنگ‌آمیز میانگین بالاتری داشتند ($p < 0.05$) همچنین مؤلفه‌های «روان‌رنجوری» و «وظیفه‌شناسی» توان پیش‌بینی نوع جرم را با دقت ۷۲/۳ درصد نشان دادند. این یافته‌ها بیانگر وجود پروفایل‌های شخصیتی متمایز در این دو گروه و کاربرد آن در برنامه‌های پیشگیری و اصلاح مجرمان است.

واژگان کلیدی: پنج عامل بزرگ شخصیت، جرایم خشونت‌آمیز، جرایم نیرنگ‌آمیز، روان‌رنجوری، وظیفه‌شناسی.

مقدمه

جرم، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که ریشه در تاروپود عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر کنشگر آن دارد. از منظر روان‌شناسی جنایی، «شخصیت»، به‌عنوان پایدارترین عامل درونی، نقشی تعیین‌کننده در گرایش فرد به بزهکاری ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که اگر شخصیت فردی مستعد ارتکاب جرم نباشد، حتی در صورت شرایط محیطی مساعد، جرمی رخ نخواهد داد از این رو در مبارزه با بزه‌کاری نباید از توجه به ویژگی‌های شخصیتی مجرمین غفلت ورزید.

ارتکاب جرایم نیرنگ‌آمیز و خشونت‌آمیز اغلب نشان‌دهنده ویژگی‌های شخصیتی خاصی است که می‌تواند به‌عنوان شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده برای رفتارهای پرخطر و تکرار جرم در نظر گرفته شود. از این رو شناخت شخصیت مرتکبان این جرایم، ضرورت دارد. جرایم خشونت‌آمیز به‌دلیل حساسیت افکار عمومی و پوشش گسترده رسانه‌ای، به‌عنوان نمادی از رفتار مجرمانه خطرناک در اذهان عمومی شناخته می‌شوند. جرایم فریبکارانه، به‌دلیل ماهیت غیرخشونت‌آمیز خود، کمتر مورد توجه عموم مردم و به تاسی آن کمتر مورد توجه نظام‌های حاکم قرار گرفته‌اند. با این حال، در ارزیابی حالت خطرناک، جرایم فریبکارانه می‌توانند به‌مراتب خطرناک‌تر از جرایم خشونت‌آمیز باشند؛ چه اینکه خطرناک‌ترین حالت مربوط به مجرمان یقه‌سفید است که ماهیت جرایم ارتكابی ایشان، عمدتاً مبتنی بر خدعه و نیرنگ است (Babaei, 2024: 122 & 134). بنابراین، در بررسی و تحلیل رفتارهای پرخطر مجرمانه، لازم است که علاوه بر جرایم خشونت‌آمیز، به جرایم فریبکارانه نیز توجه ویژه‌ای مبذول شود.

بررسی مؤلفه‌های حالت خطرناک، به‌ویژه «ظرفیت جنایی» و «انطباق‌پذیری»، در ترسیم پروفایل شخصیتی مجرمان جرایم خشونت‌محور و تزویرمحور مؤثر است. مجرمان تزویرمحور که انطباق‌پذیری اجتماعی بالاتری دارند، عمدتاً با مؤلفه «خودبینی» شناخته می‌شوند؛ این ویژگی که با خودشیفتگی و حس استحقاق همراه است، ارتکاب جرایم یقه‌سفیدی و فریبکاری را پیش‌بینی می‌کند (Babaei, 2024: 94; Blickle et al., 2006: 1). در مقابل، مجرمان خشونت‌محور با انطباق‌پذیری پایین‌تر، بیشتر سه مؤلفه ناپایداری، پرخاشگری و بی‌تفاوتی عاطفی را بروز می‌دهند. این ویژگی‌ها با روان‌پریشی، تکانشگری و فقدان همدلی ارتباط داشته و زمینه‌ساز رفتارهای خشونت‌آمیز هستند (Santos et al, 2020: 1; Lin, 2024: 49).

مخاطرات بالقوه مجرمان مورد بحث، تدوین برنامه‌های اصلاحی-درمانی و سیاست‌های پیشگیرانه از جرایم ارتكابی ایشان را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در نظام عدالت کیفری تبدیل کرده است. هرچه این برنامه‌ها مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی مرتکبین باشند، اثربخشی بیشتری خواهند داشت. تمایز در نوع جرایم ارتكابی می‌تواند بیانگر تفاوت‌های شخصیتی دو گروه باشد که در صورت تأیید، مسیر برنامه‌های اصلاحی و پیشگیرانه را مشخص می‌کند و از هدررفت منابع محدود جلوگیری خواهد کرد. لذا، پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی ویژگی‌های شخصیتی این دو گروه از مجرمان می‌پردازد.

در میان آزمون‌های شخصیت، آزمون پنج عامل بزرگ (NEO) به‌دلیل استانداردهای بالای روان‌سنجی، در روان‌شناسی جنایی اهمیت ویژه‌ای یافته است. این آزمون، که بر شناسایی پنج عامل اصلی شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، توافق‌پذیری، گشودگی به تجربه و وظیفه‌شناسی) تمرکز دارد، در این پژوهش نیز برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی مجرمان به کار رفته و مبنایی برای طرح این پرسش شده است که مرتکبان جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز از لحاظ مؤلفه‌های شخصیتی NEO چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ همچنین از بین این پنج ویژگی شخصیتی، کدام ویژگی می‌تواند عامل پیش‌بینی‌کننده نوع جرم باشد؟

مروری بر ادبیات پژوهش‌ها پیرامون ویژگی‌های شخصیتی مجرمان، به خوبی شکاف‌های موجود در این زمینه را نشان می‌دهد؛ زیرا (۱) مطالعات پیشین عمدتاً به بررسی ویژگی‌های پنج عامل شخصیتی در میان مجرمان و مقایسه آنها با افراد غیرمجرم یا دسته‌های خاص از بزهکاران پرداخته‌اند. برای نمونه، جولیف و فارینگتون^۱ (۲۰۲۴) توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی پایین همراه با روان‌رنجوری بالا را از عوامل مهم در ارتکاب جرم معرفی کرده‌اند. همچنین دانش‌ناری و خواجهی فخرآود (۱۴۰۳) گزارش کرده‌اند که خودکنترلی با روان‌رنجوری و برون‌گرایی رابطه‌ای معکوس و با سایر ابعاد شخصیتی رابطه‌ای مثبت دارد. به‌علاوه، موسوی و همکاران

1 Jolliffe & Farrington.

(۱۳۹۷) تفاوت معناداری را در اغلب ویژگی‌های شخصیتی (به جز روان‌رنجوری و گشودگی به تجربه) بین زندانیان و افراد عادی مشاهده کرده‌اند.

۲) مطالعات موجود پیرامون ویژگی‌های شخصیتی مجرمان، اغلب بر مرتکبان جرایم خاص متمرکز بوده و فاقد یک رویکرد مقایسه‌ای هستند. این در حالی است که طراحی برنامه‌های پیشگیری و اصلاحی جامع، مستلزم توجه هم‌زمان به تفاوت‌های شخصیتی میان گروه‌های مختلف مجرمان است. به هر حال، در حوزه جرایم مالی و سازمانی (جرایم نیرنگ‌آمیز)، چندین مطالعه به بررسی عوامل شخصیتی بزه‌کاران پرداخته‌اند. عبدالله و ماریکان^۱ (۲۰۱۷) نقش اساسی وجدان‌گرایی و توافق‌پذیری را در کاهش انحرافات مالی برجسته کرده‌اند. ترنر^۲ (۲۰۱۴) نیز به این نتیجه رسید که بین سازگاری و وظیفه‌شناسی و تمایل به ارتکاب جرایم یقه‌سفیدی رابطه معنادار وجود دارد. در مقابل، بلیکل و همکاران^۳ (۲۰۰۶) ویژگی‌هایی مانند لذت‌جویی، خودکنترلی پایین، خودشیفتگی بالا و وظیفه‌شناسی بالا را در میان مجرمان یقه‌سفید گزارش کرده‌اند. علاوه بر این، ساکار سودها و خان^۴ (۲۰۱۳) روان‌رنجوری را به‌عنوان همبسته اصلی انحرافات سازمانی در بخش‌های دولتی و خصوصی معرفی کرده‌اند.

مطالعات مرتبط با جرایم خشونت‌آمیز نشان داده‌اند که نوع جرم خشونت‌آمیز با الگوهای شخصیتی خاصی در ارتباط است. برای مثال، موساکو و همکاران^۵ (۲۰۱۳) تفاوت‌هایی را در ویژگی‌های شخصیتی مرتکبان انواع جرایم خشونت‌آمیز از جمله قتل و سرقت گزارش کرده‌اند. ولر و لانگ^۶ (۲۰۱۰) نیز کاهش میزان توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی و برون‌گرایی را در میان مرتکبان تجاوز جنسی مشاهده کرده‌اند. همچنین شماعتی‌زاده و یوسفی (۱۳۹۷) رابطه منفی بین روان‌رنجوری و کودک‌آزاری با کیفیت روابط خانوادگی را نشان داده‌اند. علاوه بر موارد فوق، مطالعاتی به خشونت در روابط نزدیک و زوجی پرداخته‌اند. برای نمونه، اولوا و همکاران^۷ (۲۰۱۶) نشان داد گشودگی به تجربه، برون‌گرایی و روان‌رنجوری سه عامل خطر مهم مرتبط با خشونت شریک جنسی شناخته می‌شوند. براساس مطالعه هاینز و سائودینو^۸ (۲۰۰۸) نیز روان‌رنجوری و سازگاری به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های پرخاشگری شریک جنسی به‌ویژه برای زنان هستند.

با توجه به مؤلفه‌های شخصیت جنایی و حالت خطرناک، یافته‌های مطالعاتی در خصوص ویژگی‌های شخصیتی مجرمان و تمایز بین جرایم مبتنی بر زور و تزویر، پژوهش حاضر دو فرض اساسی دارد نخست، مرتکبان جرایم خشونت‌آمیز نسبت به مرتکبان جرایم نیرنگ‌آمیز، روان‌رنجوری بالاتری دارند که با ماهیت هیجانی این جرایم و ضعف در کنترل تکانه و هیجان قابل تبیین است. دوم، مجرمان نیرنگ‌آمیز در برون‌گرایی، توافق‌پذیری، گشودگی به تجربه و وظیفه‌شناسی امتیاز بالاتری دارند و آن‌ها از این ویژگی‌ها به‌عنوان ابزاری برای جلب اعتماد و فریب قربانیان بهره می‌برند.

در راستای پاسخگویی به پرسش‌ها و راستی‌آزمایی فرضیات، این پژوهش میدانی با به‌کارگیری روش علی-مقایسه‌ای انجام شد. برای تنظیم ساختار پژوهش، از الگوی بین‌المللی و استاندارد IMRAD^۹ استفاده شد؛ لذا در فصل مبانی نظری، ابتدا مؤلفه‌های اصلی، یعنی جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز، و سپس شخصیت و ابعاد پنج‌گانه آن بر اساس مدل پنج‌عاملی شخصیت تبیین شده‌اند. پس از آن، روش‌شناسی پژوهش به تفصیل بیان شده است و در بخش‌های بعدی، یافته‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت، نتایج نهایی ارائه شده است.

1 Abdullah & Marican.

2 Turner.

3 Blickle, Schlegel, Fassbender, & Klein.

4 Sakkar Sudha & Khan.

5 Mosaku, Akinsulore, Onwuchekwa, Ibigbami & Fatoye.

6 Voller & Long.

7 Ulloa, Hammett, O'Neal, Lydston & Leon Aramburo.

8 Hines, & Saudino.

9 Introduction, Method, Result, and Discussion.

۱. مبانی نظری

۱.۱. جرایم خشونت‌آمیز و جرایم نیرنگ‌آمیز

یکی از چهارچوب‌های بنیادین برای فهم ماهیت جرایم، تفکیک آن‌ها بر اساس ابزار اصلی ارتکاب است که براساس آن جرایم به دو دسته کلی خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز تقسیم می‌شوند. این دوگانه، که در هسته مرکزی نظام‌های کیفری سنتی و مدرن جای دارد، تمایزی اساسی میان بهره‌گیری از زور فیزیکی و سوءاستفاده از توانایی‌های ذهنی مانند هوش و تدبیر ایجاد می‌کند. (Gassin, 1999: 66-92) از این منظر، جرایم نیرنگ‌آمیز با فریبکاری و جرایم خشونت‌آمیز با اعمال قدرت جسمانی تعریف می‌شوند. این تفکیک نه تنها در جرایم خرد، بلکه در جرایم سازمان‌یافته نیز مشاهده می‌شود؛ جایی که برخی گروه‌ها مانند سارقان مسلح به خشونت متوسل می‌شوند و برخی دیگر مانند شبکه‌های کلاهبرداری پیچیده، بر نیرنگ تکیه دارند. (Najafi Abirandabadi, 2006: 25&28) با این حال، باید توجه داشت که این دوگانه تمام طیف رفتارهای مجرمانه را پوشش نمی‌دهد؛ جرایمی مانند مصرف مواد مخدر، شرب مشروبات الکلی یا برخی جرایم اخلاقی نظیر زنا لزوماً در این چهارچوب قرار نمی‌گیرند و نشان می‌دهند که خشونت و نیرنگ، را نمی‌توان تنها ملاک جرم‌انگاری دانست.

این تقسیم‌بندی بنیادین را می‌توان با وام‌گیری از ادبیات جرم‌شناسی، به شکل ملموس‌تری بیان کرد. جرایم خشونت‌آمیز به دلیل اتکای بیشتر بر قدرت جسمانی، «جرایم کلسیمی» و جرایم فریبکارانه به دلیل بهره‌گیری از توانایی‌های ذهنی و فسفر مغز، «جرایم فسفری» نامیده شده‌اند. این استعاره به شکل گویاتری نشان می‌دهد که جرایم کلسیمی، که نیازمند انرژی و ریسک‌پذیری فیزیکی هستند، عمدتاً در سنین جوانی (هجده تا سی سالگی) شایع‌ترند. در مقابل، با افزایش سن و کاهش تمایل به ریسک، مجرمان به سمت محاسبه‌گری و کسب سود با کمترین هزینه کیفری گرایش می‌یابند و با تکیه بر هوش و جایگاه اجتماعی خود، مرتکب جرایم فسفری می‌شوند (Najafi Abirandabadi, 2003: 33&98).

کارایی تحلیلی این استعاره به‌ویژه در تفکیک جرای «یقه‌آبی» و «یقه‌سفیدی» آشکار می‌شود. جرایم خیابانی که اغلب توسط یقه‌آبی‌ها و با تکیه بر نیروی عضلانی و خشونت انجام می‌شود، مصداق بارز جرایم کلسیمی است. از سوی دیگر، ماهیت جرایم یقه‌سفیدی عمدتاً فسفری، تقلب‌محور و مبتنی بر سوءاستفاده از نبوغ و موقعیت اجتماعی است. با این حال، مرز میان این دو همیشه شفاف نیست. مجرمان یقه‌سفید گاهی برای پنهان کردن جرایم فسفری خود، به خشونت ابزاری روی می‌آورند. این دسته از جرایم که به «جرایم یقه‌سرخی» شهرت یافته‌اند، ماهیتی تلفیقی دارند؛ اگرچه با خشونت (کلسیمی) همراه هستند، اما زیربنای آن‌ها نه تمایلات خشونت‌آمیز، بلکه همان فریبکاری و حيله‌گری (فسفری) برای جلوگیری از افشاشدن است. (Darabi, 2019: 17; Mirkhahili, 2023: 148-150; Rayejan Asli, 2022: 466)

با وجود این انطباق ظاهری، ساده‌انگاری است اگر جرایم فسفری را معادل قطعی جرایم یقه‌سفیدی و جرایم کلسیمی را معادل جرایم یقه‌آبی بدانیم. به نظر می‌رسد رابطه میان این مفاهیم، نه از نوع تساوی، بلکه نوعی هم‌پوشانی ناقص است. از یک سو همانطور که ذکر شد، مجرمان یقه‌سفید در قالب جرایم یقه‌سرخی مرتکب خشونت نیز می‌شوند که این امر، اطلاق عنوان «فسفری» به تمام اعمال آن‌ها را محل مناقشه قرار می‌دهد (Mousavi Mojab, 2004: 68; Yaghoubi et al., 2015: 215). از سویی دیگر، بسیاری از جرایم فسفری و نیرنگ‌آمیز مانند کلاهبرداری‌های ساده، جعل، خیانت در امانت، غصب عناوین دولتی و تدلیس در ازدواج لزوماً توسط مجرمان یقه‌سفید انجام نمی‌شوند. بنابراین، چارچوب «کلسیمی/فسفری» ابزاری مفید برای تحلیل گرایش‌های غالب در دسته‌های مختلف مجرمان است، اما نباید آن را به‌عنوان یک طبقه‌بندی مطلق و بدون استثنا در نظر گرفت.

۲.۱. شخصیت

«شخصیت» به الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار و فرایندهای درونی شخصی، از جمله عواطف و شناخت‌ها، اطلاق می‌شود که در طول زمان و موقعیت‌های مختلف، نحوه واکنش و تعامل فرد با محیط و خود را شکل می‌دهند و می‌توانند به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در تشابهات و تفاوت‌های رفتاری افراد در نظر گرفته شوند. (Pourkhosravani & Naeimi, 2020: 104) از مفهوم شخصیت برای

پیش‌بینی رفتار فرد در موقعیت‌ها و شرایط معین استفاده می‌شود. به عبارتی نگرش‌های ذهنی و احساسات فرد، که از طریق آزمون‌های روانشناختی قابل بررسی هستند، به ما در شناخت تمایلات و گرایش‌های واکنشی او کمک می‌کنند. (Najafi, Abirandabadi & Hashem Beyki, 2022: 96).

قانون مجازات اسلامی (مواد ۶۰ و ۶۴) و قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۲۵۰ و ۵۱۳) توجه مقام قضایی را به شخصیت بزه‌کاران معطوف کرده‌اند (Mirkhahili, 2023: 67). طبق ماده ۳۳۰ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، طبقه‌بندی زندانیان بر اساس سابقه، نوع جرم، شخصیت و میزان محکومیت، «تا حد امکان» صورت می‌گیرد. با وجود عدم الزام به طبقه‌بندی شخصیت‌محور، سند تحول قضایی ۱۴۰۳، «بازطراحی و اجرای طرح طبقه‌بندی زندانیان مبتنی بر منشأ جرم و شخصیت زندانیان از طریق تکمیل پرونده شخصیت، فناوری‌های نوین تشخیص شخصیت و آزمون‌های شخصیت‌شناسی برخط و برون‌سپاری اجرای آزمون‌ها به مراکز مورد تأیید» را مورد تأکید قرار داده است (Document of Transformation and Excellence of the Judiciary, 2024: 63). این تحول ناشی از آگاهی دستگاه قضایی نسبت به نقش شخصیت در کارکرد اصلاحی-درمانی زندان است.

در راستای امکان‌سنجی تحقق هدف مذکور، نخستین گام آن است که ابزار تأمین این هدف مورد ارزیابی قرار گیرد؛ به عبارت دیگر باید مشخص شود در حال حاضر شخصیت زندانیان با چه ابزاری سنجیده می‌شود و ابزار شناختی کنونی، امکان چه دسته‌بندی مبتنی بر شخصیت را برای سازمان زندان‌ها فراهم می‌آورد. در حال حاضر به‌منظور تکمیل پرونده شخصیت، روان‌شناس معتمد پزشکی قانونی یا مددکار اجتماعی ابتدا باید ویژگی‌های خلقی مددجو شامل خلق‌وخو و سطح انرژی (در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و انجام امور) و همچنین تجربیات ادراکی او (نظیر توهّم‌های شنوایی، بینایی یا لامسه)، محتوای افکار فرد شامل (افکار خودکشی، هذیان‌ها، انواع هراس‌ها (از جمله هراس اجتماعی و رفتارهای اجتنابی) و نیز وسواس فکری-عملی را از طریق پرسش و مصاحبه مورد کاوش قرار دهد. روان‌شناس/مددکار همچنین در خصوص سوء‌مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان و گرایش‌های پرخاشگرانه مددجو باید اظهارنظر کند؛ این گرایش‌ها ممکن است شامل آزار و اذیت دیگران (فحاشی، درگیری کلامی)، خشونت فیزیکی (دعوا، نزاع)، تهدید با وسایل خطرناک (مانند چاقو)، حضور در گروه‌های ضداجتماعی و سابقه آسیب به خود باشد. پس از آن، صفات شخصیتی مساعد مددجو مانند مهربانی، آرامش، واقع‌بینی، قابل اعتماد بودن، ثبات شخصیتی، نظم، امیدواری، سپاسگزاری، پرتحرکی و انعطاف‌پذیری ارزیابی می‌شود. همچنین صفات نامساعد نظیر انزواطلبی، خجالت‌زدگی، خودآزاری و اختلال در سازگاری بررسی می‌گردد. رفتارهای گوناگون فرد شامل پرخاشگری، فریبکاری، وسواسی بودن، بی‌نظمی، رعایت بهداشت فردی و محیطی، نظم اجتماعی، آراستگی، تمایل به مطالعه، رازداری، کمک به دیگران و رعایت حقوق اجتماعی نیز سنجیده می‌شود. علاوه بر آن، نشانه‌های اختلالات خواب (پرخوابی یا کم‌خوابی)، اختلالات خوردن (پرخوری، بی‌اشتهایی)، میزان صحبت کردن (پرحرفی یا کم‌حرفی)، حواس‌پرتی و اختلالات خلقی (افسردگی، اضطراب، بی‌قراری، گریه‌کردن) نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. در پایان، روان‌شناس تشخیص نهایی خود را در خصوص وجود یا عدم وجود اختلالات شخصیت ارائه می‌دهد و در صورت وجود اختلال، آن را بر اساس طبقه‌بندی‌های A، B یا C تعیین کرده و نوع دقیق اختلال احتمالی را مشخص می‌کند که می‌تواند شامل یکی از اختلالات زیر باشد: اختلال افسردگی، دوقطبی، اسکیزوفرنی، شبه‌جسمی، تجزیه‌ای، اضطراب فراگیر، وسواسی-اجباری، ترس‌مرضی، وحشت‌زدگی، استرس پس از ضربه، استرس حاد، جنسی، کنترل‌تکانه، روان‌تنی و اختلالات مرتبط با مواد.

محتوای پرونده شخصیت نشان می‌دهد که زندانیان دارای اختلال شخصیت در سه گروه A، B یا C طبقه‌بندی می‌شوند، اما طبقه‌بندی زندانیان بدون اختلال شخصیت بر اساس آزمون روان‌شناسی خاصی پیش‌بینی نشده است. درحالی‌که پژوهش‌های نوین نشان می‌دهد بسیاری از بزه‌کاران دارای شخصیت‌های نرمال و عادی هستند و فرد بزه‌کار به اندازه دیگران احتمال دارد از شخصیت نرمال برخوردار باشد یا دارای اختلالات شخصیت باشد. (Rostami Tabrizi, 2014: 88-89) برای تشخیص علمی‌تر شخصیت بزه‌کاران غیرمبتلا به اختلال شخصیت، استفاده از آزمون‌های شخصیت به‌جای جدول‌ها و شاخص‌های پرونده شخصیت کارآمدتر است. زیرا سنجش شخصیت از طریق این آزمون‌ها مانع اعمال سلیقه‌های شخصی و خطاهای تشخیصی می‌گردد. از اینرو سند تحول قضایی نیز بر ضرورت توجه به این آزمون‌ها تأکید کرده است.

در حال حاضر، انجام آزمون‌های روان‌شناختی در دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت مصوب ۱۳۹۸ پیش‌بینی شده است. بر اساس بند «پ» ماده ۹ این دستورالعمل واحد مددکاری اجتماعی می‌تواند «در صورت لزوم» علاوه بر آزمایش‌های روان‌پزشکی، نسبت به اخذ آزمون‌های روان‌شناختی از متهم اقدام کند. همچنین، طبق تبصره ۱ ماده ۱۳ این مقرر قانونی، پزشک معتمد نیز می‌تواند در صورت تشخیص ضرورت، انجام این آزمون‌ها را درخواست نموده یا لزوم آن را در گزارش خود منعکس نماید.

۳.۱. مدل پنج‌عاملی شخصیت

پس از سال‌ها بحث و بررسی در زمینه ابعاد شخصیت، توافق علمی قابل توجهی حاصل شده است که بسیاری از تفاوت‌های فردی در شخصیت را می‌توان با مدل پنج‌عاملی شخصیت^۱ تبیین نمود. این مدل، ارائه شده توسط کاستا و مک‌کری^۲ (۱۹۹۲)، شخصیت را در پنج بعد اصلی روان‌رنجوری،^۳ برون‌گرایی،^۴ گشودگی به تجربه،^۵ توافق‌پذیری^۶ و وظیفه‌شناسی^۷ تعریف می‌کند که هر کدام شامل ویژگی‌های جزئی‌تر هستند. مدل مذکور در مطالعات متعددی بر روی گروه‌های مختلف سنی و فرهنگی تأیید شده و به‌عنوان یکی از پرکاربردترین و معتبرترین مدل‌های شخصیت شناخته می‌شود (Teruel & Bello, 2013: 1-4). مهم‌ترین مزیت این مدل، توانایی آن در ارائه یک زبان مشترک برای محققان است که امکان مقایسه نتایج مطالعات مختلف را فراهم می‌آورد. پنج عامل اصلی این مدل، نشان‌دهنده گرایش‌های بنیادین زیستی هستند که بر نگرش‌ها، اهداف، روابط و خودپنداره تأثیر گذاشته و نحوه تعامل ما با محیط را شکل می‌دهند (Mosaku et al., 2013: 10). بنابراین، این مدل نه تنها یک ساختار توصیفی است، بلکه بینش‌های ارزشمندی در مورد ریشه‌های رفتاری و سازوکارهای تأثیرگذار بر عملکرد فردی در بافت‌های مختلف فراهم می‌آورد. در ادامه، این پنج عامل تعریف و تبیین می‌گردند.

۱.۳.۱. روان‌رنجوری

این بُعد، اساساً میزان ثبات و پایداری هیجانی فرد را در برابر بی‌ثباتی و تمایل به تجربه عواطف منفی می‌سنجد. افرادی که در این طیف نمره بالایی کسب می‌کنند، مستعد تجربه احساساتی چون اضطراب، غم، تحریک‌پذیری و نوسانات خلقی هستند (Elliott, 2010: 274). این بی‌ثباتی عاطفی می‌تواند در قالب نگرش‌های ضداجتماعی، رفتارهای بزهکارانه، قانون‌شکنی، تعارضات بین فردی، بی‌مسئولیتی، تأکید اغراق‌آمیز بر ویژگی‌های مردانه، خصومت و عصبانیت بروز یابد (Samavatyan et al., 2011: 40). در واقع، این افراد به دلیل حساسیت بالا و درونی‌سازی خشم، اغلب احساس ناامنی و آسیب‌پذیری می‌کنند که این امر از طریق وابستگی و تأثیرپذیری آسان از دیگران ظاهر می‌شود (Turner, 2014: 13). در مقابل، افرادی که در نقطه مقابل این طیف قرار دارند، عموماً آرام، خونسرد و از نظر هیجانی باثبات هستند.

۲.۳.۱. برون‌گرایی

بُعد برون‌گرایی به جهت‌گیری انرژی روانی فرد به سمت دنیای بیرون و تعاملات اجتماعی مربوط می‌شود. افراد برون‌گرا، پرنرژی، اجتماعی، قاطع و هیجان‌طلب هستند و از بودن در مرکز توجه و شرکت در فعالیت‌های گروهی لذت می‌برند (Elliott, 2013: 40; Samavatyan et al., 2011: 273). آن‌ها عموماً خوش‌بین، خونگرم و در ابراز احساسات خود راحت هستند و برانگیختگی جنسی و تحریک را نیز دوست دارند. همچنین گاهی برای پیشبرد اهدافشان از روش‌های نفوذ بر دیگران استفاده می‌کنند. در سوی

1 Big Five.

2 Costa and McCrae.

3 Neuroticism.

4 Extraversion.

5 Openness to Experience.

6 Agreeableness.

7 Conscientiousness.

دیگر این طیف، افراد درون‌گرا قرار دارند که محتاط، آرام و مستقل بوده و محیط‌های خلوت را برای بازیابی انرژی خود ترجیح می‌دهند (Hariri Pirahrat et al., 2024: 3; Turner, 2014: 10).

۳.۳.۱. گشودگی به تجربه

این ویژگی، میزان استقبال فرد از تجربیات نو، ایده‌های غیرمتعارف و کنجکاوی فکری را نشان می‌دهد. افرادی که گشودگی بالایی به تجربه دارند، دارای تخیل فعال، حس زیبایی‌شناسی، خلاقیت و علایق گسترده هستند و از یادگیری و چالش‌های جدید لذت می‌برند (Elliott, 2010: 274; Samavatyan et al., 2011: 40; Turner, 2014: 13). این بُعد بیش از آنکه به هوش مرتبط باشد، به تمایل ذاتی فرد برای جستجوی فعالانه تجارب جدید و استقلال در قضاوت اشاره دارد (Hariri Pirahrat et al., 2024: 3). در مقابل، افراد با گشودگی پایین، به تجربیات آشنا، سنت‌ها و روتین‌های ثابت تمایل دارند و عمدتاً مطیع‌تر هستند.

۴.۳.۱. توافق‌پذیری (سازگاری)

بُعد توافق‌پذیری، گرایش فرد به همکاری، همدلی و حفظ روابط مثبت با دیگران را منعکس می‌کند. افراد با توافق‌پذیری بالا، عموماً مهربان، دلسوز، نوع‌دوست و قابل اعتماد هستند و برای حفظ هماهنگی در روابط اجتماعی تلاش می‌کنند (Elliott, 2010: 273). در مقابل، افرادی که در این طیف نمره پایینی دارند، ممکن است رویکردی رقابتی، خودمحور و بدبینانه داشته باشند. این ویژگی می‌تواند به صورت سستیزه‌جویی، بی‌اعتنایی به نیازهای دیگران، فریب‌کاری و حتی سنگدلی بروز کند، به‌ویژه زمانی که امور طبق میل آن‌ها پیش نمی‌رود (Hariri Pirahrat et al., 2024: 3; Turner, 2014: 10).

۵.۳.۱. وظیفه‌شناسی (وجدان‌گرایی)

این بُعد که گاهی از آن با عنوان وجدان‌گرایی نیز یاد می‌شود، به میزان سازماندهی، پشتکار و کنترل تکانه‌های فرد در راستای دستیابی به اهداف اشاره دارد. افراد وظیفه‌شناس، منظم، هدفمند، وقت‌شناس، قابل اعتماد، سخت‌کوش، جاه‌طلب، پایبند به اصول هستند و انگیزه بالایی برای موفقیت دارند (Turner, 2014: 11; Elliott, 2010: 273). این ویژگی به آن‌ها کمک می‌کند تا انگیزه‌های آنی خود را مهار کرده و بر وظایف خود متمرکز بمانند، که این امر اغلب به موفقیت‌های شغلی و تحصیلی منجر می‌شود. در سوی دیگر طیف، افراد با وظیفه‌شناسی پایین، ممکن است بی‌هدف، نامنظم، سهل‌انگار، بی‌توجه به زمان و در پیگیری امور بی‌انضباط باشند از این رو، وجدان‌گرایی با موفقیت شغلی و تحصیلی مرتبط است (Hariri Pirahrat et al., 2024: 3; Samavatyan et al., 2011: 40).

در مجموع، این پنج بُعد یک پروفایل شخصیتی جامع را ترسیم می‌کنند که نشان‌دهنده الگوهای پایدار فکری، احساسی و رفتاری فرد است. تحلیل جایگاه هر فرد بر روی این طیف‌ها، ابزار مفهومی قدرتمندی برای فهم و پیش‌بینی گرایش‌های رفتاری او، به‌ویژه در زمینه مورد مطالعه این پژوهش، فراهم می‌آورد.

۲. روش پژوهش

روش این پژوهش کمی-توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. در این روش، تفاوت‌های شخصیتی میان دو گروه از افراد (مرتکبان جرایم خشونت‌آمیز و مرتکبان جرایم فریبکارانه) با استفاده از ابزارهای کمی و آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، این پژوهش تلاش می‌کند تا از طریق مقایسه ویژگی‌های شخصیتی در دو گروه مستقل، به تبیین علل احتمالی تفاوت‌ها و ارتباط آن‌ها با نوع جرم ارتكابی بپردازد.

جامعه آماری این مطالعه را کلیه زندانیان محکوم به جرایم خشونت‌آمیز یا نیرنگ‌آمیز در زندان تبریز تشکیل دادند. با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند؛ به‌گونه‌ای که ۱۰۰ پرسشنامه در میان زندانیان جرایم

خشونت‌آمیز و ۱۰۰ پرسشنامه در میان زندانیان جرایم نیرنگ‌آمیز توزیع شد. از ۲۰۰ پرسشنامه توزیع‌شده، ۱۷۷ پرسشنامه معتبر بازگشت داده شد. پس از حذف ۱۱ پرسشنامه ناقص و ۱۲ پرسشنامه مربوط به جرایم نامرتبط، ۱۷۷ پرسشنامه باقی‌مانده (۹۱ مورد مربوط به جرایم خشونت‌آمیز و ۸۶ مورد مربوط به جرایم نیرنگ‌آمیز) وارد تحلیل شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها یک پرسشنامه سه‌بخشی بود. بخش اول شامل سؤالات جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، وضعیت تأهل و سابقه حبس) بود که ضمن تضمین محرمانگی، شرکت‌کنندگان مجبور به ارائه نام یا مشخصات هویتی نبودند. بخش دوم فهرست جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز را طبق تعاریف مبانی نظری پژوهش شامل می‌شد. بدین ترتیب، تنها محکومان به ارتکاب این جرایم در مطالعه شرکت کردند.

در بخش سوم، پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (NEO-FFI)^۱ به‌عنوان ابزار سنجش شخصیت شرکت‌کنندگان قرار داده شد. این پرسشنامه شامل ۶۰ گویه است که پنج عامل اصلی شخصیت و شش زیرمقیاس مرتبط را به شرح مندرج در جدول زیر می‌سنجد.

ردیف	عوامل شخصیتی	مؤلفه‌ها	تعداد سؤالات	سؤالات مرتبط
۱	روان‌رنجوری	اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، کمروزی، نکانشگری، آسیب‌پذیری	۱۲	۱-۶-۱۱-۱۶-۲۱-۲۶-۳۱-۳۶-۴۱-۴۶-۵۱-۵۶
۲	برون‌گرایی	صمیمیت، اجتماعی‌بودن، قاطعیت، تحرک، هیجان‌طلبی، احساسات مثبت	۱۲	۲-۷-۱۲-۲۷-۳۲-۳۷-۴۲-۴۷-۵۲-۵۷
۳	وظیفه‌شناسی / وجدان‌گرایی	شایستگی، نظم و ترتیب، وظیفه‌شناسی، تلاش برای پیشرفت، خودانضباطی، ملاحظه‌کاری	۱۲	۵-۱۰-۱۵-۲۰-۲۵-۳۰-۳۵-۴۰-۴۵-۵۰-۵۵-۶۰
۴	سازگاری / توافق‌پذیری	اعتماد، رک‌گویی/صدافت، نوع‌دوستی/ایثار، اطاعت، فروتنی، دلسوزی	۱۲	۴-۹-۱۴-۱۹-۲۴-۲۹-۳۴-۳۹-۴۴-۴۹-۵۴-۵۹-۶۴
۵	گشودگی به تجربه	تخیل، زیبایی‌شناسی/هنردوستی، احساسات، اعمال، افکار، ارزش‌ها	۱۲	۳-۸-۱۳-۱۸-۲۳-۲۸-۳۳-۳۸-۴۳-۴۸-۵۳-۵۸

این پرسشنامه که نسخه کوتاه‌شده‌ای از پرسشنامه NEO-PI-R^۲ است، یکی از پرکاربردترین ابزارها در اندازه‌گیری مدل پنج‌عاملی شخصیت است. (گروسی فرشی، ۱۳۸۰: ۱۷۵) در مطالعات پیشین، ضریب همبستگی آن با دامنه‌های پرسشنامه شخصیت نو (NEO PI-R) بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ و پایایی درونی آن بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ گزارش شده است که نشان‌دهنده همبستگی بالا و روایی سازه مطلوب پرسشنامه و همچنین پایایی درونی قابل قبول آن می‌باشد. (Sudha, & Khan, 2013: 27)

پاسخنامه این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی‌تفاوتم، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. برخی از سؤالات به صورت معکوس طراحی شده‌اند؛ بنابراین، نمره‌گذاری این پرسشنامه در همه موارد یکسان نیست. به این معنا که در نمره‌گذاری برخی از مواد، به «کاملاً مخالفم» نمره ۴، «مخالفم» نمره ۳، «بی‌تفاوتم» نمره ۲، «موافقم» نمره ۱ و «کاملاً موافقم» نمره ۰ تعلق می‌گیرد. درحالی‌که برخی دیگر از گویه‌های این فرم کوتاه به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود (Khabreh & Golshani, 2021: 70). نمرات بالاتر در هر بُعد نشان‌دهنده گرایش بیشتر پاسخ‌دهنده به آن بُعد شخصیتی و نمرات پایین‌تر، بیانگر گرایش کمتر او به آن بُعد است (Abbasirad et al., 2024: 66).

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۸ استفاده شد. تفاوت میانگین‌های ابعاد شخصیتی بین دو گروه زندانیان خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز از طریق تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) بررسی شد. همچنین برای پیش‌بینی نوع جرم (خشونت‌آمیز یا

1 Neo Five-Factor Inventory.

2 NEO Personality Inventory-Revised.

نیرنگ‌آمیز) از آزمون رگرسیون لجستیک دو وجهی استفاده گردید. مفروضات آماری شامل نرمال بودن توزیع متغیرها (با استفاده از آزمون کجی و کشیدگی)، همگنی واریانس‌ها (با استفاده از آزمون لوین) و همگنی ماتریس‌های واریانس کوواریانس (با استفاده از آزمون ام‌باکس) بررسی شد. حداکثر سطح خطای آلفا جهت آزمون فرضیه‌ها، مقدار ۰/۰۵ در نظر گرفته شد ($p < 0/05$).

۳. یافته‌های پژوهش

۱.۳. پایایی پرسشنامه

پایایی پرسشنامه ویژگی‌های شخصیت که با روش آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای روان‌رنجوری برابر با ۰/۸۰، برون‌گرایی برابر با ۰/۸۳، گشودگی به تجربه برابر با ۰/۷۴، توافق‌پذیری برابر با ۰/۷۶ و وظیفه‌شناسی برابر با ۰/۷۹ بود و بیانگر تأیید پایایی پرسشنامه ویژگی‌های شخصیت بود.

۲.۳. یافته‌های توصیفی

در بخش توصیفی نتایج، مطابق جدول ۱ بررسی اطلاعات جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان نشان داد تمامی پاسخ‌دهندگان مرد بودند. ۶۳٪ مجرمین جرایم خشونت‌آمیز متأهل بودند در حالی که این رقم در میان مجرمان جرایم نیرنگ‌آمیز به ۸۶٪ می‌رسید. از نظر سنی نیز، توزیع متفاوتی دیده شد: اکثر مجرمین خشونت‌آمیز در بازه سنی ۲۶ تا ۳۹ سال قرار داشتند، در حالیکه غالب مجرمان نیرنگ‌آمیز بین ۴۰ تا ۶۰ سال سن داشتند. در نهایت، سابقه زندانی‌شدن در گروه زندانیان خشونت‌آمیز (۷۱/۴ درصد) و زندانیان نیرنگ‌آمیز (۳۹/۵ درصد) بود.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی زندانیان جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز زندان تبریز (n = ۱۷۷)

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	طبقه	جرایم خشونت‌آمیز		جرایم نیرنگ‌آمیز	
		فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	91	100٪	86	100٪
	زن	0	0٪	0	0٪
تأهل	مجرد	33	36/3٪	12	14٪
	متأهل	58	63/7٪	74	86٪
سن	۱۹-۲۵ سال	8	8/8٪	1	1/2٪
	۲۶-۳۹ سال	45	49/4٪	33	38/4٪
	۴۰-۶۰ سال	36	39/6٪	48	55/8٪
	بالای ۶۰ سال	2	2/2٪	4	4/6٪
سابقه زندانی‌شدن	دارد	65	71/4٪	34	39/5٪
	ندارد	26	28/5٪	52	60/5٪

جدول ۲ توزیع فراوانی محکومان به جرایم مورد بررسی را به تفکیک نوع جرم نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که در میان جرایم خشونت‌آمیز، «جرم» «قتل» با ۲۳ مورد و به دنبال آن «سرقت مقرون به آزار» با ۲۰ مورد و «ضرب و جرح» عمدی با ۱۰ مورد، بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در خصوص جرایم نیرنگ‌آمیز نیز، «کلاهبرداری» با فراوانی ۴۹، شایع‌ترین «جرم» بوده و «خیانت در امانت» (۲۰ مورد) و «جعل و استفاده از سند مجعول» (۱۳ مورد) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

جرایم خشونت‌آمیز		جرایم نیرنگ‌آمیز	
ردیف	عنوان مجرمانه	تعداد	عنوان مجرمانه
۱	قتل	۲۳	کلاهبرداری
۲	سرقت مقرون به آزار	۲۰	خیانت در امانت
۳	ضرب و جرح عمدی	۱۰	جعل و استفاده از سند مجعول
۴	ایراد جرح عمدی با جاقو	۸	تصرف غیرقانونی در اموال عمومی و دولتی
۵	سرقت مسلحانه	۶	اختلاس
۶	آدم‌ربایی به عنف یا تهدید	۶	غصب عناوین دولتی
۷	قدرت‌نمایی با جاقو	۴	تهیه و ترویج سکه تقلبی
۸	تهدید با جاقو	۳	جرایم رایانه‌ای
۹	شرکت در نزاع دسته‌جمعی	۳	پولشویی
۱۰	تحریق عمدی	۳	فریب در نکاح
۱۱	ورود به عنف به منزل	۲	تعداد کل
۱۲	تخریب عمدی	۱	
۱۳	اعمال منافعی عفت به عنف	۱	
۱۴	افساد فی‌الارض	۱	
۱۵	ایجاد مزاحمت برای بانوان	۱	
۱۶	اتلاف حیوانات	۰	
	تعداد کل	۹۱	

جدول ۲. توزیع تعداد مجرمین براساس نوع جرم

۳.۳. یافته‌های استنباطی

در جدول ۳ آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد)، آماره‌های سنجش نرمال‌بودن (کجی و کشیدگی) و آزمون لوین به منظور سنجش همگنی واریانس‌ها (سطح معنی‌داری) به تفکیک دو گروه جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز گزارش شد.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی، آماره‌های کجی و کشیدگی و آزمون لوین به تفکیک دو گروه جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز

ویژگی شخصیت	جرایم خشونت‌آمیز				جرایم نیرنگ‌آمیز				آزمون لوین
	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	
روان‌رنجوری	25/77	6/29	0/27	-0/10	21/23	7/85	0/05	-0/49	0/076
برون‌گرایی	26/07	6/49	0/80	-0/40	31/04	7/08	-0/31	0/16	0/502
گشودگی به تجربه	25/15	4/63	-0/01	0/41	26/57	4/53	0/30	0/14	0/937
توافق‌پذیری	25/61	5/26	-0/30	-0/12	27/02	5/13	0/09	0/21	0/530
وظیفه‌شناسی	29/55	8/03	0/21	-0/25	36/41	6/15	-0/72	0/10	0/064

نتایج این جدول نشان داد زندانیان جرایم خشونت‌آمیز میانگین بالاتری در «روان‌رنجوری» داشتند، اما زندانیان جرایم نیرنگ‌آمیز در چهار ویژگی «برون‌گرایی»، «گشودگی به تجربه»، «توافق‌پذیری» و «وظیفه‌شناسی» میانگین بالاتری داشتند. مقادیر کجی و کشیدگی برای تمامی متغیرها در دامنه ۲- تا ۲+ قرار داشت که نشان داد توزیع داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کرد. سطح معنی‌داری آزمون لوین برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ بود و نشان از تأیید مفروضه همگنی واریانس‌ها داشت ($p < 0/05$). در جدول ۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانووا) به منظور مقایسه میانگین پنج ویژگی شخصیت آمده است. مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس با آزمون ام‌باکس سنجیده شد که سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ بود و بیانگر تأیید این مفروضه بود ($p = 0/082$). نتایج آزمون چندمتغیره لامبدای ویلکز معنی‌دار بوده و نشان داد حداقل بین یکی از ویژگی‌های شخصیت بین دو گروه تفاوت وجود داشت. ($F = 10/14$ و $p < 0/001$).

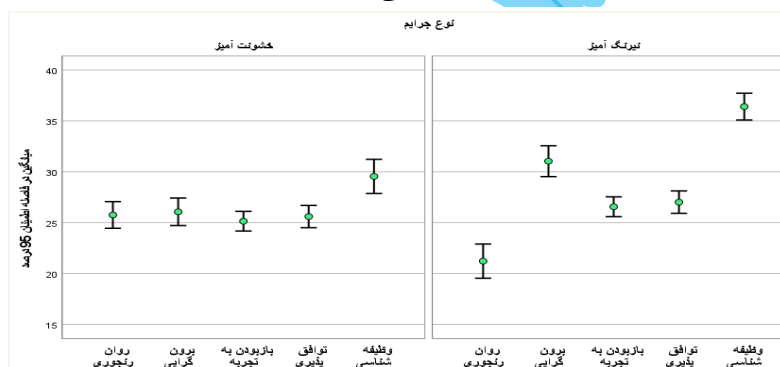
جدول ۴. نتایج آزمون مانووا جهت بررسی تفاوت میانگین ویژگی‌های شخصیت در دو گروه جرایم خشونت‌آمیز و

نیرنگ‌آمیز

متغیر	میانگین گروه‌ها		اختلاف میانگین	مقدار F	مقدار p	اندازه اثر
	جرایم خشونت‌آمیز	جرایم نیرنگ‌آمیز				
روان‌رنجوری	25/77	21/23	4/54	18/09	<0/001	0/094
برون‌گرایی	26/07	31/04	-4/97	23/73	<0/001	0/119
گشودگی به تجربه	25/15	26/57	-1/42	4/26	0/040	0/024
توافق‌پذیری	25/61	27/02	-1/41	3/28	0/072	0/018
وظیفه‌شناسی	29/55	36/41	-6/86	40/27	<0/001	0/0187

نتایج جدول ۴ نشان داد که بر اساس آزمون مانووا تفاوت معنی‌داری در میانگین روان‌رنجوری ($F=18/09$ ، مجذور $\eta^2=0/094$) و برون‌گرایی ($F=23/73$ ، مجذور $\eta^2=0/119$)، گشودگی به تجربه ($F=4/26$ ، مجذور $\eta^2=0/024$) و وظیفه‌شناسی ($F=40/27$ ، مجذور $\eta^2=0/187$) در دو گروه جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز وجود داشت. اندازه اثر با شاخص مجذور جزئی آتا بررسی شد که مطابق نتایج بیشترین تفاوت دو گروه زندانیان مربوط به وظیفه‌شناسی بود و بعد از آن به ترتیب برون‌گرایی و روان‌رنجوری بود.

شکل ۱ نمودار میانگین به همراه خطای استاندارد از میانگین ویژگی‌های شخصیت در دو گروه است.



شکل ۱- نمودار میانگین ویژگی‌های شخصیت به تفکیک دو گروه زندانیان جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز

شکل ۱ نشان می‌دهد که زندانیان جرایم نیرنگ‌آمیز میانگین پایین‌تری در «روان رنجوری» داشتند اما در سایر ویژگی‌های شخصیت میانگین بالاتری داشتند. در ادامه نتایج آزمون رگرسیون لجستیک دو وجهی به منظور بررسی پیش‌بینی نوع جرایم بر اساس پنج ویژگی شخصیت آمده است. جدول ۵ میزان دقت مدل در طبقه‌بندی صحیح نمونه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۵. بررسی دقت مدل رگرسیونی در طبقه‌بندی نمونه بر اساس نوع جرایم

متغیر	نوع جرایم		درصد طبقه‌بندی صحیح	
	خشونت‌آمیز		نیرنگ‌آمیز	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
نوع جرایم	66	72/5	25	27/5
نیرنگ‌آمیز	24	27/9	62	72/1
کل	72/3			

نتایج جدول ۵ نشان داد که بر اساس متغیرهای پیش‌بین مدل (پنج ویژگی شخصیت) می‌توان به میزان ۷۲/۵ درصد از افرادی که نوع جرایم خشونت‌آمیز داشتند را به‌طور صحیح پیش‌بینی کرد و همچنین می‌توان به میزان ۷۲/۱ درصد، افرادی که نوع جرایم نیرنگ‌آمیز داشتند را به‌طور صحیح پیش‌بینی کرد. میزان دقت کلی مدل در طبقه‌بندی صحیح، برابر با ۷۲/۳ درصد بود که مقدار قابل قبولی است.

جهت ارزیابی کل مدل رگرسیونی از آزمون اوم نیبوس (Omnibus Tests) استفاده شد که مقدار کای اسکور برابر با ۴۴/۴۰ بدست آمد که معنی‌دار بود ($p < 0.001$) و می‌توان نتیجه گرفت برازش کلی مدل قابل قبول بود و مدل رگرسیونی با هدف پیش‌بینی نوع جرایم زندانیان از برازش مناسبی برخوردار بود ($p < 0.05$). ضرایب تعیین به‌دست‌آمده در رگرسیون لجستیک نشان داد که دامنه این ضرایب از حداقل ۰/۲۲۲ تا حداکثر ۰/۲۹۶ برای ضریب Nagelkerke R Square تا حد اکثر ۰/۲۹۶ تا ۲۲/۲ درصد از تغییرات متغیر ملاک R Square است و می‌توان استنباط کرد که متغیرهای پیش‌بین مدل توانسته‌اند بین ۲۲/۲ تا ۲۹/۶ درصد از تغییرات متغیر ملاک نوع جرایم زندانیان را تبیین کنند که نشان از قدرت تبیین متوسط مدل داشت. جدول ۵ نتایج آزمون رگرسیون لجستیک به منظور شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده نوع جرایم زندانیان است.

جدول ۶. جدول ضرایب آزمون رگرسیون لجستیک جهت پیش‌بینی نوع جرایم بر اساس ویژگی‌های شخصیت

متغیر پیش‌بین	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	آماره والد (Wald)	مقدار p	نسبت شانس (OR)
روان‌رنجوری	-0/58	0/027	4/46	0/035	0/94
برون‌گرایی	0/030	0/031	0/96	0/326	1/03
گشودگی به تجربه	0/012	0/039	0/09	0/759	1/01
توافق‌پذیری	-0/008	0/038	0/04	0/834	0/99
وظیفه‌شناسی	0/101	0/029	12/32	<0/001	1/11
مقدار ثابت	-2/98	1/92	2/40	0/121	0/05

نتایج جدول ۶ نشان داد از متغیرهای پیش‌بین که شامل پنج ویژگی شخصیت بود دو ویژگی شخصیت «روان‌رنجوری» و «وظیفه‌شناسی» توانستند نوع جرایم زندانیان را پیش‌بینی کنند ($p < 0.05$). مطابق یافته‌ها می‌توان بر پایه روان‌رنجوری و وظیفه‌شناسی نوع جرایم که شامل جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز است را پیش‌بینی کرد. شاخص آماره والد و نسبت شانس نشان از این دارند که وظیفه‌شناسی مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی نوع جرایم است. مطابق یافته‌ها هنگامی که روان‌رنجوری افزایش یابد، به احتمال جرایم خشونت‌آمیز افزوده می‌شود و هنگامی که وظیفه‌شناسی افزایش می‌یابد، به احتمال جرایم نیرنگ‌آمیز افزوده می‌شود.

۴. بررسی و تحلیل یافته‌ها

نتایج این مطالعه مبنی بر بالاتر بودن «روان‌رنجوری» مرتکبین جرایم خشونت‌آمیز و تعیین «روان‌رنجوری» به‌عنوان عامل شخصیتی پیش‌بینی‌کننده این نوع از جرایم، با یافته‌های پیشین از جمله پژوهش سانتوس و همکاران (۲۰۱۴) همسو است؛ زیرا این پژوهش نیز کنترل ضعیف تکانه و مدیریت خشم را وجه ممیزه مجرمین خشونت‌آمیز از سایر مجرمین می‌داند. این یافته‌ها همچنین با مطالعه لین (۲۰۱۴) که روان‌پریشی بالا را با گرایش به رفتار خشونت‌آمیز مرتبط می‌داند، همخوانی دارد. نتایج با تحقیق ولر و لانگ (۲۰۱۰) درباره پایین‌تر بودن توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی در مرتکبان تجاوز جنسی نیز مطابقت دارد. بررسی اولوا و همکاران (۲۰۱۶) نیز «روان‌رنجوری» را عامل خطر خشونت شریک جنسی معرفی کرده که با این مطالعه هم‌راستا است، هرچند در برون‌گرایی و گشودگی به تجربه با آن ناهمسو است. همچنین، نتایج با پژوهش هاینز و سائودینو (۲۰۰۸) در شناسایی «روان‌رنجوری» به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری در روابط جنسی همسو است، اما در نقش سازگاری در پیش‌بینی پرخاشگری تفاوت دیده می‌شود.

در تبیین رابطه بین روان‌رنجوری بالا و ارتکاب جرم، باید اشاره کرد افراد دارای روان‌رنجوری بالا به‌دلیل نداشتن ویژگی‌هایی مانند خوش‌رویی، پشتکار و ثبات عاطفی، بیشتر در معرض رفتارهای مجرمانه‌اند. این نتایج با تحقیقات مرتبط با لزوم خودکنترلی و

همدلی در پیشگیری از رفتارهای ضداجتماعی نیز همراستا است (Teruel & Bello, 2013: 106) همچنین، نظریه شخصیت آیزنک نیز این نتایج را تقویت می‌کند. براساس نظریه مزبور افراد با روان رنجوری بالا به محرک‌های منفی واکنش شدیدتری نشان می‌دهند و آموزش رفتار اجتماعی مناسب از جمله عدم پرخاشگری برایشان دشوارتر است، که این موضوع احتمال بزهکاری را افزایش می‌دهد (Putwain & Samons, 2004: 60).

یافته‌های این مطالعه مبنی بر بالاتر بودن میزان «وظیفه‌شناسی»، «برون‌گرایی»، «گشودگی به تجربه» و «توافق‌پذیری» در مرتکبان جرایم نیرنگ‌آمیز و شناسایی «وظیفه‌شناسی» به‌عنوان عامل شخصیتی پیش‌بینی‌کننده جرایم نیرنگ‌آمیز، با مطالعه بلیکل و همکاران (۲۰۰۶) همسوست که جرایم یقه‌سفید (که نوعی از جرایم نیرنگ‌آمیز است) را با خودکنترلی پایین، تمایل به لذت‌جویی، خودشیفتگی بالا و «وظیفه‌شناسی» قوی مرتبط دانستند. پژوهش اخیر در تبیین سطح بالاتر وظیفه‌شناسی در مجرمان یقه‌سفید، با اتکا به نظریه ساترلند استدلال می‌کند این دسته جرایم، اغلب نیازمند دانش تخصصی و آموزش است و دستیابی به موقعیت یقه‌سفید مستلزم پایداری تحصیلی است.

در ضمن یک مطالعه روان‌پزشکی آلمانی نیز مجرمان یقه‌سفید را افرادی پایدار و هدفمند معرفی کرده است. بنابراین، نمرات بالای «وظیفه‌شناسی» در این گروه با تصویر یک تاجر منطقی و محاسبه‌گر که هم‌زمان به دنبال منافع شخصی و سازمانی است، مطابقت دارد. (Blickle et al, 2006: 230)

با این حال، این یافته‌ها در تضاد با پژوهش عبدالله و ماریکان (۲۰۱۷) و ترنر (۲۰۱۴) است که نقش منفی «وظیفه‌شناسی» و «توافق‌پذیری» در کاهش انحرافات مالی و تمایل به جرایم یقه‌سفید را نشان دادند. چراکه مطالعه حاضر رابطه مثبت و معنادار «وظیفه‌شناسی» با جرایم نیرنگ‌آمیز را گزارش می‌کند. همچنین یافته‌های حاضر با پژوهش ساکار سودها و خان (۲۰۱۳) ناسازگار است که «روان رنجوری» را به‌عنوان عامل اصلی انحرافات سازمانی معرفی کرده و ۴۱٪ تا ۵۸٪ از انحرافات شغلی (چه سازمانی و چه بین‌فردی) به روان رنجوری نسبت داده است. درحالی‌که مرتکبان جرایم نیرنگ‌آمیز در این تحقیق سطح پایین‌تری از روان رنجوری را دارند.

بر بنیان موارد مرقوم، هرچند وظیفه‌شناسی بالا به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در ارتکاب جرایم نیرنگ‌آمیز از پشتوانه علمی برخوردار است، اما اجماع مطالعاتی در این زمینه وجود ندارد. این امر اهمیت تبیین دقیق‌تر نقش این ویژگی شخصیتی را خاطرنشان می‌کند. مخصوصاً با عنایت به اینکه در این مطالعه «وظیفه‌شناسی» به‌عنوان مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی نوع جرم معرفی شده است. مغایرت پیش‌آمده می‌تواند به چند دلیل توجیه شود؛ نخست، این مغایرت می‌تواند ریشه در تطبیقی‌بودن این مطالعه برخلاف مطالعات پیشین داشته باشد. دوم، عدم همسویی می‌تواند ناشی از تفاوت در نوع جرایم مورد بررسی (شامل کلاهبرداری، خیانت در امانت و جعل، با سهم اندک جرایم سازمانی و بدون جرایم یقه‌سفیدی) باشد و بررسی صحت این مسأله خود مطالعه جداگانه‌ای را می‌طلبد. سوم، نیرنگ‌آمیزی این مجرمان شناسایی دقیق ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها را دشوارتر می‌کند؛ زیرا آن‌ها ممکن است تمایل بیشتری به ارائه تصویری مطلوب از خود داشته باشند، که این امر می‌تواند تفاوت بین مجرمان جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز را افزایش دهد. (Teruel & Bello, 2013: 104). در نهایت، درحالی‌که شناخت مجرمان خشونت‌آمیز پیشرفت‌هایی داشته، شناخت مجرمان نیرنگ‌آمیز همچنان چالش‌برانگیز است و این امر بر جریان تدوین برنامه‌های اصلاحی مؤثر برای مرتکبان این دسته از جرایم اثرگذار است؛ چراکه تشخیص درست بخش عمده‌ای از درمان است.

با این حال توجه به مؤلفه‌های و گویه‌های وظیفه‌شناسی در آزمون نثو می‌تواند در تبیین بالاتر بودن سطح وظیفه‌شناسی مرتکبین جرایم نیرنگ‌آمیز مؤثر باشد. این مؤلفه‌ها شامل شایستگی، نظم و ترتیب، وظیفه‌شناسی، تلاش برای پیشرفت، خودانضباطی و ملاحظه‌کاری هستند (Ghorasifarshi et al., 2001: 177). گویه‌ها نیز در ارتباط با مرتب بودن وسایل شخصی (سوال ۵)، انجام به‌موقع کارها (سوال ۱۰)، میزان نظم و ترتیب (سوال ۱۵)، احساس مسئولیت در انجام امور (سوال ۲۰)، داشتن هدف و برنامه‌ریزی (سوال ۲۵)، صرف وقت برای شروع کارها (سوال ۳۰)، تلاش برای رسیدن به اهداف (سوال ۳۵)، قابل اعتماد

بودن (سوال ۴۰)، میزان اتکاپذیری (سوال ۴۵)، مولدبودن (سوال ۵۰)، منطقی بودن (سوال ۵۵) و تلاش برای انجام ماهرانه کارها (سوال ۶۰) می‌باشند.

مؤلفه‌ها و گویه‌های مذکور با تصویر قابل تصور از مجرمان فریبکار همخوانی دارد. این مجرمان، افرادی هدفمند هستند که با تکیه بر نظریه انتخاب عقلانی، قبل از ارتکاب جرم، سود و زیان آن را به دقت می‌سنجند. آن‌ها با برنامه‌ریزی منظم و دقیق، اهداف خود را دنبال کرده و در مراحل مختلف، پنهان کاری و حفظ ظاهر اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهند. نظم در پوشش، گفتار، محیط زندگی و کار، همراه با مهارت‌های فردی، تصویری گمراه‌کننده از فردی موجه و قابل اعتماد ارائه می‌دهد. این افراد با دقت عمل می‌کنند تا اعتماد قربانی را جلب کنند و از کاهش نظارت ناشی از این اعتماد برای رسیدن به اهداف مجرمانه خود بهره ببرند. یافته‌های پژوهش در خصوص تفاوت در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دو گروه مورد بحث نیز رهیافت‌های قابل توجهی برای درک ویژگی‌های شخصیتی ایشان فراهم می‌آورد. فراوانی بیشتر جرایم خشونت‌آمیز در بازه سنی ۲۶ تا ۳۹ سال با نظریه شیوع جرایم کلسیمی در بازه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال و فراوانی بیشتر جرایم نیرنگ‌آمیز در بازه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال با نظریه شیوع جرایم فسفری در بازه سنی ۳۰ تا ۶۰ سال همسو است (Najafi Abirandabadi, 2003: 33&98). شیوع جرایم فسفری در دوره عقلانیت جنایی و برخورداری از موقعیت اجتماعی-اقتصادی، دلالت دیگری بر مؤلفه‌های وظیفه‌شناسی مانند شایستگی، خودانضباطی، نظم و تلاش برای موفقیت و پیشرفت است. همچنین، سابقه زندانی شدن کمتر در مرتکبین جرایم نیرنگ‌آمیز (۳۹/۵ درصد) در مقایسه با مرتکبین جرایم خشونت‌آمیز (۷۱/۴ درصد)، می‌تواند بر ملاحظه‌گری بیشتر دسته نخست در ارتکاب جرم دلالت کند که آن هم شاخصی از شاخص‌های وظیفه‌شناسی است.

توجه هم‌زمان به ویژگی‌های شخصیتی و سابقه زندانی شدن این دو گروه می‌تواند در تبیین حالت خطرناک ایشان نیز مؤثر باشد. مجرمان خشن با روان‌رنجوری بالا و وظیفه‌شناسی پایین، اغلب تکانشی عمل می‌کنند به دلیل پایین بودن سطح برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، سازگاری و گشودگی به تجربه، فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم برای پنهان کاری و انطباق‌پذیری اجتماعی هستند که این امر احتمال دستگیری آن‌ها را افزایش می‌دهد. در مقابل، مجرمان فریبکار با روان‌رنجوری پایین و وظیفه‌شناسی بالا، با برنامه‌ریزی دقیق و به‌صورت حرفه‌ای و با کمترین ریسک مرتکب جرم می‌شوند و با بهره‌گیری از ویژگی‌های شخصیتی خود، به خوبی با جامعه منطبق شده و احتمال دستگیری خود را کاهش می‌دهند.

تفاوت‌های شخصیتی مجرمان در این پژوهش، تئوری مجرم «سازمان‌یافته» و «سازمان‌نیافته» را یادآوری می‌کند. بر اساس این تئوری، سازمان‌یافتگی در شخصیت مجرم سازمان‌یافته هم در نحوه ارتکاب جرم و هم در سبک زندگی‌اش نمایان است. این فرد منظم، با هوش متوسط، دارای روابط اجتماعی سطحی و موفق در شغل است و به «گرگ حیل‌گر» شهرت دارد. در مقابل، مجرم سازمان‌نیافته معروف به لقب «سگ‌هار» ذهن و زندگی نامنظمی دارد، از فشارهای روانی رنج می‌برد و فاقد کفایت اجتماعی و روابط صمیمی است (Rostami Tabrizi, 2014: 158-160). البته مطابق تئوری مذکور هر دو نوع مجرم می‌توانند جرایم خشونت‌آمیز مرتکب شوند، اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نوع سازمان‌یافته بیشتر در معرض ارتکاب جرایم نیرنگ‌آمیز است.

در ضمن، از منظر نظریه «انتخاب عمومی» نیز می‌توان این نتیجه را تقویت کرد. براساس این نظریه، انسان موجودی ذاتاً منفعت‌طلب است؛ به‌گونه‌ای که در هر شغل و منصبی که باشد، همواره منافع خود را ترجیح می‌دهد و هیچ تضمینی وجود ندارد که با قرارگیری در منصب دولتی، انسان به یکباره دچار تحول شخصیتی شود و در دوراهی منفعت، منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد (Alvani, 1997: 6&18). با تکیه بر مبانی این نظریه به‌ویژه منفعت‌طلبی انسان، هیچ تضمینی وجود ندارد که شخصی که در عامل وظیفه‌شناسی نمره بالایی کسب کرده باشد، از اهداف و برنامه‌ها و مصالح شخصی خود چشم‌پوشی کند و منافع و مصالح و اهداف دیگران از جمله سازمانی که در آن مشغول به فعالیت است را بر خود ترجیح دهد. از این‌رو اعمال نظارت دقیق و مستمر بر چنین شخصی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

یافته‌های مطالعه حاضر در خصوص ویژگی‌های شخصیتی مجرمان نیرنگ‌آمیز را می‌توان در پرتو ادبیات پژوهشی مرتبط با سه‌گانه تاریک شخصیت (ماکیاولیسم، خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی) نیز تبیین و تفسیر نمود و با اتکا به آن ابعاد جدیدی از کارکرد صفات شخصیتی را در ارتکاب این دسته از جرایم آشکار کرد. برابر یافته‌های مطالعاتی، به طور کلی هر سه صفت تاریک شخصیتی با ارتکاب جرم همبستگی مثبت و معناداری دارد (Ershadi Manesh et al., 2024: 471; Qaderi et al., 2024: 173).

لکن نوع جرم ارتكابی از نوع صفت تاریک شخصیتی اثر می‌پذیرد. در میان سه‌گانه مزبور، ماکیاولیسم ارتباط قوی با جرایم نیرنگ‌آمیز دارد (Michaeli Manee et al., 2020: 120-121). توضیح آنکه در مجرمان نیرنگ‌آمیز، صفات ظاهراً مثبتی مانند وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و توافق‌پذیری نه به مثابه ویژگی‌های اجتماعی مثبت، بلکه به‌عنوان ابزارهای فریبکاری عمل می‌کنند. برای مثال، وظیفه‌شناسی به آن‌ها امکان برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت را برای اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌های مجرمانه می‌دهد و برون‌گرایی و توافق‌پذیری نیز به آن‌ها کمک می‌کند تا شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده و قربانیان را برای سوءاستفاده، فریب دهند. این تفسیر با مشخصات کلیدی شخصیت ماکیاولیستی کاملاً هم‌خوانی دارد؛ افرادی استراتژیک، محاسبه‌گر و فریبکار که برای رسیدن به اهداف خود از هر وسیله‌ای، از جمله بهره‌کشی از دیگران و فریب‌دادن آن‌ها، استفاده می‌کنند. تولنایی آن‌ها در برنامه‌ریزی بلندمدت، دروغ‌گویی ماهرانه و حفظ ظاهر موجه، موفقیت آن‌ها را در ارتکاب جرایمی مانند کلاهبرداری‌های مالی، تقلب و سایر جرایم نیرنگ‌آمیز تضمین می‌کند. بنابراین، ترکیب خاصی از صفات شخصیتی—که در ظاهر مثبت به نظر می‌رسند—در کنار یک جهت‌گیری ضداجتماعی و خودخواهانه (مانند ماکیاولیسم)، می‌تولند فرمول مؤثری برای ارتکاب موفقیت‌آمیز جرایم نیرنگ‌آمیز باشد.

نهایت آنکه، یافته این مطالعه مبنی بر برون‌گرایی مجرمان نیرنگ‌آمیز در مقایسه با ادبیات پژوهشی مربوط به مجرمان سایبری (بقعه‌مجازی)، که اغلب درون‌گرا گزارش شده‌اند، قابل بحث و تأمل است. توضیح آنکه مجرمان سایبری، برخلاف همتایان خود در دنیای واقعی که برای فریب قربانی نیازمند تعامل رو در رو هستند، تمایل بیشتری به انزوا، گمنامی و اجتناب از موقعیت‌های اجتماعی دارند. این گرایش به درون‌گرایی آن‌ها را به سمت ارتکاب جرایم در فضای مجازی سوق می‌دهد که امکان تعامل از راه دور و پنهان‌سازی هویت را فراهم می‌کند (Karimi et al., 2017: 82; Palmieri et al., 2021). بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که نوع جرم نیرنگ‌آمیز (سایبری در مقابل غیرسایبری) می‌تواند به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده بر رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و جرم عمل کند. از آنجایی که سنجش تجربی این فرضیه در پژوهش حاضر صورت نگرفته است، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، مجرمان نیرنگ‌آمیز به دو دسته سایبری و غیرسایبری تقسیم‌بندی شده و ابعاد پنج‌گانه بزرگ شخصیت آن‌ها به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی ویژگی‌های شخصیتی مجرمان جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز نشان داد که مرتکبان جرایم خشونت‌آمیز به‌طور معناداری سطح «روان‌رنجوری» بالاتری دارند. در مقابل، مرتکبان جرایم نیرنگ‌آمیز در ویژگی‌های «وظیفه‌شناسی»، «برون‌گرایی»، «گشودگی به تجربه» و «توافق‌پذیری» به طور معناداری نمرات بالاتری کسب کردند. یافته‌ها حاکی از آن است که با استفاده از دو ویژگی «روان‌رنجوری» و «وظیفه‌شناسی» می‌توان نوع جرم را با دقت ۷۲.۳ درصد پیش‌بینی کرد و «وظیفه‌شناسی» مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده محسوب می‌شود. بدین ترتیب، فرضیات پژوهش مبنی بر بالاتر بودن سطح «روان‌رنجوری» مجرمان خشونت‌آمیز و همچنین بالاتر بودن میزان «وظیفه‌شناسی»، «برون‌گرایی»، «گشودگی به تجربه» و «توافق‌پذیری» مجرمان نیرنگ‌آمیز اثبات گردید.

بر بنیان موارد فوق از نقطه‌نظر روان‌شناسی جنایی، مجرمان خشن اغلب تحت تأثیر رنج و فشارهای روانی به خشونت متوسل می‌شوند. در مقابل، مجرمان فریبکار با بهره‌گیری از ویژگی‌های مثبت شخصیتی خود، اهداف فریبکارانه خود را پیش می‌برند. برای

نمونه، مرتکبین کلاهبرداری و خیانت در امانت، با ایجاد حس اعتماد و امنیت کاذب در قربانی از طریق ظاهر و رفتارهای موجه خود، اعتماد قربانی را جلب کرده و او را متقاعد به تسلیم/ سپردن اموال خود می‌کنند.

نتایج این مطالعه مبنی بر اثرگذاری ویژگی‌های شخصیتی مرتکبین بر نوع جرم ارتكابی، رهیافت‌های قابل توجهی برای تحقق اهداف پیشگیرنده و بازپرورنده نظام عدالت کیفری دارد. قبل از هر چیز یافته‌ها حاکی از آن است که علاوه بر «روان‌رنجوری»، «وظیفه‌شناسی» نیز می‌تواند به‌عنوان یک عامل خطر بالقوه برای بزه‌کاری در نظر گرفته شود.

در حوزه پیشگیری غیرکیفری، این یافته نشان می‌دهد که نباید نگرانی جامعه صرفاً محدود به کودکان و نوجوانان تکانشگر باشد و از کودکان و نوجوانان برنامه‌ریز و هدفمند غافل شد. توانایی برنامه‌ریزی و هدفمندی، مانند شمشیری دولبه، اگر به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند در جهت اهداف مجرمانه به کار رود. در همین راستا، نباید تمام سرمایه جامعه معطوف به مراقبت از افراد تکانشی شود. برای مثال، یک سازمان همانطور که نسبت به کارمندان پرخاشگر خود حساسیت نشان می‌دهد و نظارت اعمال می‌کند، باید مراقب کارمندان به‌ظاهر منظم، منضبط، ملاحظه‌کار و وقت‌شناس خود نیز باشد و با تقویت برنامه‌های شفافیت مالی و کنترل‌های اداری، رفتار مالی آنها را نیز زیر نظر داشته باشد. چرا که این افراد نیز ممکن است از توانایی خود در برنامه‌ریزی و هدفمندی در جهت منافع شخصی خود سوءاستفاده کنند. علاوه بر این، افراد جامعه نیز به‌عنوان بزه‌دیدگان بالقوه باید آگاه باشند که همانطور که ممکن است از سوی افراد روان‌رنجور در معرض خشونت قرار گیرند، ممکن است فریب ظاهر و رفتارهای فریبکارانه افراد منظم، منضبط، خوش‌صحبت و به‌ظاهر قابل اعتماد را بخورند. افزایش این آگاهی اجتماعی، جامعه را از اعتماد نابخردانه و تراج اموال و دارایی‌ها توسط افراد سودجو محافظت می‌کند. تا بدین ترتیب این باور اشتباه که افراد منظم و هدفمند هیچ تهدیدی برای جامعه محسوب نمی‌شوند، در تمام سطوح جامعه اصلاح شود.

از منظر پیشگیری کیفری، توجه به ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند به فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری و انتخاب مجازات‌های مؤثرتر در بازدارندگی و بازپروری بزه‌کاران کمک کند. یافته‌های پژوهش مبنی بر اثرگذاری شخصیت بر نوع جرم ارتكابی، ضرورت طراحی برنامه‌های اصلاحی متناسب با هر گروه را نشان می‌دهد. برای مجرمان خشونت‌آمیز، برنامه‌هایی چون مدیریت خشم، آموزش حل تعارض، تقویت هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی توصیه می‌شود. بنابراین مقام قضایی در تعیین پاسخ کیفری به رفتار این دسته از مجرمان، امکان اجرای این برنامه‌ها را مدنظر قرار دهد. تعویق و تعلیق مراقبتی، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، نظام نیمه‌آزادی، آزادی مشروط، جایگزین‌های حبس و حتی خود حبس و نیز کیفرهای تکمیلی زمانی مؤثرند که با شرکت در دوره‌های درمان روان‌رنجوری همراه باشند. بدون درمان منشأ روانی جرم، مجازات به‌تنهایی اثر بازدارنده بلندمدت نخواهد داشت. بهره‌گیری از مداخلات روان‌درمانی (گروهی و فردی) در طول طول دوران تحمل کیفر نیز می‌تواند مفید باشد.

در مقابل، برای مجرمان نیرنگ‌آمیز، کیفرهایی که بر انتخاب عقلانی آن‌ها اثر گذاشته و هزینه ارتكاب جرم را افزایش دهد و همچنین، مجازات‌هایی که اعتبار و موقعیت آن‌ها را به خطر اندازد، مناسب‌تر است. بنابراین جزای نقدی، ضبط اموال، محدودیت‌های اقتصادی و محرومیت از حقوق اجتماعی پاسخ‌های مناسبی برای این گروه هستند. همچنین، شرکت در برنامه‌های اخلاق حرفه‌ای و آموزش مسئولیت اجتماعی از طریق تقویت جنبه اجتماعی و کاهش خودمحوری، می‌تواند به اصلاح این دسته از مجرمان کمک کند.

نظر به مراتب فوق افزودن آزمون پنج‌عاملی شخصیت به پرونده شخصیت مجرمان می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در اختیار مقام قضایی و واحد طبقه‌بندی زندان قرار دهد و اتخاذ تصمیمات کیفری متناسب با شخصیت مجرم و اصلاح و بازپروری او را تسهیل کند. نهایت امر آنکه هرچند پژوهش حاضر بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر ارتكاب جرم تأکید دارد، نقش عوامل محیطی و زمینه‌ای را نفی نمی‌کند و بر ضرورت رویکردی جامع و منسجم در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های کیفری تأکید دارد.

References:

- Abbasirad, R., Rostami, M., Fasihi, M., Sarhangi, N., & Ahmadboukani, S. (2024). "The Relationship between Family Communication Patterns and High-Risk Behaviors in Adolescents: The Mediating Role of Big Five Personality Traits". *Journal of Applied Psychological Research*, 15(3), 61-78, doi: 10.22059/japr.2024.347299.644359, [In Persisn].
- Abdullah, A., & Marican, S. (2017). "The Association between Big-Five Personality and Property Deviance", *Global Journal of Business and Social Science Review*, 5(2), 24–28.
- Alvani, S. M. (1997), "Public Choice Theory and Administrative Reforms in Government A Comparative Perspective", *Management Studies in Development and Evolution*, 6(23.24), 5-19, [In Persisn].
- Babaei, M A. (2024). *Clinical Criminology: Developments in the Concept of Dangerous State*, Tehran: Mizan Legal Foundation, 4th editi, [In Persisn].
- Blickle, G., Schlegel, A., Fassbender, P., & Klein, U. (2006). "Some Personality Correlates of Business White-Collar Crime", *Applied Psychology*, 55, 220-233, doi: 10.1111/j.1464-0597.2006.00226.x.
- Daneshnari, H. & Khajavi Fakhrdavoud, Z. (2024). "The Impact of Big Five Personality Traits on the Internal Control of the Criminal Phenomenon: Case Study of the Students of Ferdowsi University of Mashhad", *Criminal Law Research*, 15(2), 59-79, doi: 10.22124/jol.2024.27649.2482, [In Persisn].
- Document of Transformation and Excellence of the Judiciary. (2024). [In Persisn].
- Darabi, S. (2019). *Red-Collar Criminals Criminality*, Tehran: Mizan Legal Foundation, First edition, [In Persisn].
- Elliott, R. T. (2010). "Examining the relationship between personality characteristics and unethical behaviors resulting in economic crime", *Ethical Human Psychology and Psychiatry*, 12(3), 269, doi: 10.1891/1559-4343.12.3.269.
- Ershadi Manesh, S., Mahmoudiyan Dastnaee, T., & Yaghubi Mahjoub, M. (2024). "The Structural Model of Temperament and Character Dimensions and the Dark Triad of Personality with a Tendency to Criminal Behaviors in Adolescents: The Mediating Role of Self-Control", *Journal of Research in Behavioural Sciences*, 22(3), 462-476, [In Persisn].
- Qaderi Bagajan, K., Mirzaei, F., Ebrahimzadeh Mousavian, S., Emami Ale Agha, S., & Alavinejad, L. (۲۰۲۴). "The Relationship between Dark Tetrad of Personality and Domain-Specific Risk-taking among Iranian Young People", *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, ۱۱(۲), ۱۷۹-۱۶۲, doi: 10.32598/shenakht.11.2.162, [In Persisn].
- Gessen, R. (1999). "Is there a crime?" (Translated by A.H. Najafi Abirandabadi), *Legal Research Quarterly*, No. 29-30, 61-102, [In Persisn].
- Ghorasifarshi, M, Mehryar, A, & Ghazi Tabatabai, S M. (2001). "Application of the New NEO Personality Test and Analysis of Its Features and Factor Structure among Students of Iranian Universities", *Alzahra Human Sciences Journal*, 11(39), 173-198, [In Persisn].
- Hariri Pirahrat, A, Mirakbari Shirabad, S H, Bazrafshan, E, and Abbasi, M. (2024). "The Level of Job Satisfaction and Mental Health of Teachers Based on the Big Five Personality Traits", the Fifth International Conference and the Eighth National Symposium on Management, Psychology, and Behavioral Sciences, 1-16, [In Persisn].
- Hines, D.A., & Saudino, K.J. (2008). "Personality and intimate partner aggression in dating relationships: The role of the Big Five". *Aggressive Behaviour*, 34(6), 593-604, doi: 10.1002/ab.20277.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2024). "The promotive relationship between personality and self-reported offending", *Psychology, Crime & Law*, 30(4), 319-337, doi.org/10.1080/1068316X.2022.2092620.
- Karimi Sharafshahadeh, Mahdi; Karami, Abolfazl; & Karami Dehbaghi, Mahdi. (2017). "Comparison of Personality Traits and Intelligence in Male Cybercrime Offenders with the General Population of Tehran (2017) ", *Journal of Police Medicine*, vol. 1, no. 1, pp. 78-84, doi: 10.30505/6.1.77, [In Persisn].
- Khabreh, S & Golshani, F. (2021). "The Relationship between Early Maladaptive Schemas and the Big Five Personality Traits with Impulsivity in Young Adults with Tattoos", *Journal of Health Psychology and Social Behavior*, 1 (1), doi: 10.30495/HPSBJOURNA.2021.681110, [In Persisn].

- Kinia, M. (2001). *Criminal Psychology*. Tehran: Roshd, 2nded, [In Persisn].
- Lin, Z. (2024). "Violent crimes in men and its causes: A literature review combining environmental, psychological and genetic factors of violent criminal behavior", *Theoretical and Natural Science*, 64, 40-49, doi:10.54254/2753-8818/64/20241575.
- Michaeli Manee, F., Salehi, M., & Ahmadi Khouie, S. (2020). "The Dark Triad of Personality in Convicts and Non-convicts: Narcissism, Machiavellianism and Psychopathy", *Clinical Psychology and Personality*, 15(1), 113-126, doi:10.22070/cpap.2017.15.1.113, [In Persisn].
- Mirkhahili, S M. (2023). *Criminology*, Research Institute of Hawzah and University, 4thed, [In Persisn].
- Mosaku, S. K., Akinsulore, A., Onwuchekwa, I. J., Ibigbami, O. I., & Fatoye, F. O. (2013). "Personality Traits among Inmates of Aba Prison in Nigeria: Influence of the Five Factor Model on Inmate Status and type of Offences", *Nigerian Journal of Psychiatry*, 12(2), 9-15.
- Mousavi Mojab, S. D. (2004). "White - Collar Criminals". *Modarres Human Sciences*, 8(3), 61-83, [In Persian].
- Mousavi, S. Z; Masoudi, F; & Hamid, N. (2018). "Comparison of the Big Five Personality Traits among Male Prisoners and Non-Prisoners." *Second International Conference on Psychology, Consultation, Education*, 1-10, [In Persisn].
- Najafi Abirandabadi, A. H. (2003; revised 2023). *Lectures on Criminology*, Shahid Beheshti University (as summarized by M K Taghdir), Faculty of Law, Department of Criminal Law and Criminology, [In Persisn].
- Najafi Abirandabadi, A. H. (2006). "Criminological Analysis of Economic Crimes." *Culmination of law*, Year 1, No. 5, [In Persian].
- Najafi Abirandabadi, A. H; & Hashem Beyki, H. (2022). *Lexicon of Criminology*, Ganj Danesh Publishing, 6th ed, [In Persian].
- Rayejian Asli, M. (2022). *General Principles of Criminology: Contents and Development; from Past to Present*. Tehran: Negah-e Moaser Publication, First edition, [In Persisn].
- Rostami Tabrizi, L. (2014). *Criminal Psychology*, Tehran: Majjma-e Elmi va Farhangi-ye Majd, First edition, [In Persisn].
- Palmieri, M., Shortland, N., & McGarry, P. (2021). "Personality and online deviance: The role of reinforcement sensitivity theory in cybercrime", *Computers in human behavior*, 120, 106745, doi: 10.1016/j.chb.2021.106745.
- Pourkhosravani, M & Naeimi, M, (2020). "Examining the Relationship Between the Big Five Personality Traits and Mothers' Parenting Styles with Anxiety in Eleventh Grade Male Students in Qom Province", *Iranian Journal of Psychology and Behavioral Science*, 24(3), 103-112, [In Persisn].
- Putwain, D; & Samons, A. (2004). *Psychology and Crime* (Translated by D Najafi Tavana). Tehran: Mizan Legal Foundation, 1sted, [In Persian].
- Samavatyan, H., Khani, F., Nouri, A., & Samsam Shariat, M.R. (2011). "The relationship between the big five personality factors of managers and supervisors with the employees's organizational citizenship behaviours." *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 12(2), 39-46, [In Persisn].
- Santos, A. L. M., Komatsu, A. V., & Bazon, M. R. (2020). "Personality aspects in violent and nonviolent juvenile offenders according to Jesness Inventory: a comparative study", *Gerais: revista interinstitucional de psicologia*, 13(2), 1-20.
- Shamaeizadeh, N; Yousefi, Z (2018). "Multiple Relations between Personality Factors and History of Child abuse with Family Communications in Isfahan", *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 19(3), 113-121, doi: 10.30486/jsrp.2018.544566, [In Persisn].
- Sudha, K. S., & Khan, W. (2013). "Personality and Motivational Traits as Correlates of Workplace Deviance among Public and Private Sector Employees", *Journal of Psychology*, 4(1), 25-32, doi: 10.1080/09764224.2013.11885491.
- Teruel, D. S., & Bello, M. A. R. (2013). "El modelo "Big Five" de personalidad y conducta delictiva", *International journal of psychological research*, 6(1), 102-109, doi: 10.21500/20112084.709.
- Turner, M. J. (2014). "An Investigation of Big Five Personality and Propensity to Commit White-Collar Crime", In *Advances in Accounting Behavioral Research*, 57-94, doi: 10.1108/S1475-1488_2014_0000017002.

- Ulloa, E. C., Hammett, J. F., O'Neal, D. N., Lydston, E. E., & Aramburo, L. F. L. (2016). "The Big Five Personality Traits and Intimate Partner Violence: Findings from a Large, Nationally Representative Sample" *Violence Vict*, 31(6), 1100-1115, doi: 10.1891/0886-6708.VV-D-15-00055
- Voller, E.K., & Long, P.J. (2010). "Sexual assault and rape perpetration by college men: The role of the big five personality traits", *Journal of Interpersonal Violence*, 25(3), 457-480, doi: 10.1177/0886260509334390.
- Yaghoubi, A., Aghaei, G. A., & Kardoost Gorshari, M. (2015). "Criminological Approaches of White-Collar Crimes", *Criminal Law Research*, 5(2), 191-219. [In Persian].

پذیرفته شده در انتظار انتشار